

در باره سیاست

مائوتسه دون

(۲۵ دسامبر ۱۹۴۰)

در برابر موج ضد کمونیستی که اینک برخاسته است، سیاست ما اهمیتی قاطع کسب می کند. ولی بسیاری از کادر های ما هنوز درنیافته اند که سیاست حزب در دوره کنونی باید با سیاست وی در دوره انقلاب ارضی تفاوت بسیار داشته باشد. باید این نکته را دریافت که در تمام دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی، در هر شرایطی که پیش آید، حزب ما سیاست خود را در مورد جبهه متحد ملی ضد ژاپنی عوض نخواهد کرد؛ و بسیاری از سیاست هائی که در دوران ده ساله انقلاب ارضی به کار رفت، نمی تواند در لحظه کنونی به همان صورت از سر گرفته شود. به ویژه امروز در دوره مقاومت ضد ژاپنی نمی توان هیچ یک از سیاست های چپ روانه افراطی متعددی را که در دوره اخیر انقلاب ارضی اتخاذ شد، عملی ساخت؛ سیاست های مذکور در همان دوره هم اشتباه آمیز بود، زیرا که از عدم درک این دو خصوصیت اساسی انقلاب چین ناشی می شد: یکی این که انقلاب چین، انقلاب بورژوا دمکراتیک است در کشور نیمه مستعمره و دیگر این که انقلاب چین انقلابی متمدنی است. مثلاً در آن موقع چنین تصور می شد که پنجمین عملیات «محاصره و سرکوب» و مبارزه ما علیه آن نبردی است قطعی بین دو راه: راه انقلاب و راه ضد انقلاب؛ در آن موقع از بین بردن اقتصادی بورژوازی (سیاست کار و سیاست مالی چپ روانه افراطی) و دهقانان مرفه (واگذاری زمین های بد به آن ها) و از بین بردن جسمانی مالکان ارضی (امتناع از واگذاری زمین به آن ها) صورت می گرفت؛ نسبت به روشنفکران اعمال فشار می شد؛ در مورد سرکوب ضد انقلابیون انحراف «چپ» وجود داشت؛ کمونیست ها ارگان های قدرت را کاملاً در انحصار خود داشتند؛ کمونیسم هدف آموزش همگانی قرار گرفت؛ سیاست نظامی چپ روانه افراطی (حمله بر شهر های بزرگ و نفی جنگ پارتیزانی) و در کار مناطق سفید، سیاست پوچیستی اجراء می گردید و در داخل حزب در مجازات های انضباطی زیاده روی می شد و غیره. این سیاست های چپ روانه افراطی، مظهري از اپورتونیسیم «چپ» بود، نقطه مقابل اپورتونیسیم راست "چن دو سیو" بود که در دوره اخیر جنگ اول انقلابی به ظهور رسید. در دوره مذکور فقط وحدت بود و مبارزه نبود و حال آن که در دور اخیر انقلاب ارضی فقط مبارزه بود و وحدت نبود (به استثنای وحدت با توده های اصلی دهقانان)، این ها بارز ترین نمونه دو سیاست افراطی است و هر کدام از آن ها به حزب و انقلاب زیان بزرگی رسانید.

امروزه سیاست ما در مورد جبهه متحد ملی ضد ژاپنی عبارت نیست از وحدت به تنهایی و اعراض از مبارزه، و نیز عبارت نیست از مبارزه به تنهایی و اعراض از وحدت؛ بلکه وحدت و مبارزه را با هم ترکیب می کند و به طور مشخص عبارت است از:

۱- اتحاد تمام مردم که هوادار مقاومت در برابر ژاپن اند (یعنی کلیه کارگران، دهقانان، سربازان، روشنفکران و صاحبان صنایع و بازرگانی که هوادار مقاومت علیه ژاپن اند) در جبهه متحد ملی ضد ژاپنی.

۲- کاربرد سیاست استقلال و عدم وابستگی در درون جبهه متحد، استقلال همان قدر ضروری است که وحدت.

۳- در زمینه استراتژی نظامی، مبادرت مستقلانه و مبتکرانه به جنگ پارتیزانی در دائره استراتژی واحد؛ جنگ پارتیزانی اساسی است، ولی در شرایط مساعد از جنگ متحرک نباید صرف نظر کرد.

۴- در مبارزه با سرسختان ضد کمونیست، بهره برداری از تضادها، جلب اکثریت، مبارزه با اقلیت، درهم شکستن یکایک دشمنان؛ حق داشتن، سود جستن و اندازه نگهداشتن.

۵- سیاست ما در مناطق تحت اشغال دشمن و تحت سلطه گومیندان عبارت است از گسترش حداکثر جبهه متحد از یک طرف و مخفی کاری و فشرده گی از طرف دیگر، یعنی از لحاظ شکل سازمانی و مبارزاتی سیاست ما باید مبتنی باشد بر مخفی کاری و فشرده گی، کار طولانی در حالت مخفی، جمع آوری نیرو و انتظار فرصت مناسب.

۶- در مناسبات با طبقات مختلف کشور، سیاست اساسی ما عبارت است از توسعه نیرو های مترقی، جلب نیرو های بینابینی و منفرد ساختن نیرو های سرسختان ضد کمونیست.

۷- در مورد سرسختان ضد کمونیست باید سیاست انقلابی دو گانه به کار برد: متحد شدن با آن ها تا آن جا که حاضر به مقاومت در برابر ژاپن اند، منفرد ساختن آن ها در هر موقع که در مبارزه با حزب کمونیست لجاجت می ورزند. نظر به این که مقاومت آن ها در برابر ژاپن دارای خصلت دو گانه است، سیاست ما عبارت است از اتحاد با آن ها تا آن جا که علیه ژاپن مقاومت می کنند، و مبارزه با آن ها و منفرد ساختن آن ها در هر موقع که تزلزل نشان می دهند (مثلا آنگاه که با تجاوزکاران ژاپنی سر و سر پیدا می کنند و با "وان جین وی" و سائر خائنان به ملت به مبارزه جدی نمی پردازند). این دوگانگی در مبارزه آن ها با حزب کمونیست نیز به ظهور می رسد، به طوری که سیاست ما نیز در مورد آن ها دو جنبه دارد: متحد شدن با آن ها تا آن جا که در صدد گسستن قطعی همکاری گومیندان و حزب کمونیست برنیامده اند، مبارزه با آن ها و منفرد ساختن آن ها در هر موقعی که به سیاست سرکوبی دست می زنند و به حملات مسلحانه بر ضد حزب ما و بر ضد خلق می پردازند. ما میان این اشخاص که خصلت دو گانه دارند از یک سو و خائنان به ملت و عناصر هوادار ژاپن از سوی دیگر فرق می گذاریم.

۸- حتی در میان خائنان به ملت و عناصر هوادار ژاپن نیز عناصری می توان یافت که خصلت دوگانه دارند، در مورد آن ها نیز ما باید سیاست انقلابی دو گانه ای به کار ببریم. به عبارت دیگر تا آن جا که هوادار ژاپن اند ما با آن ها مبارزه می کنیم و آن ها را منفرد می گردانیم، اما هر موقع که مردم می شوند در تحبیب و جلب آن ها می کوشیم.

ما میان این اشخاص که خصلت دو گانه دارند و خائنان سرسخت از نوع "وان جین ویگ"، "وان ای تان" (۱) و "شی یو سان" (۲) فرق می گذاریم.

۹- همچنان که می باید میان مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ هوادار ژاپن که مخالف مقاومت اند و مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ هوادار انگلستان و آمریکا که موافق مقاومت اند، فرق گذاشت، باید مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ را که خصلت دو گانه دارند یعنی هوادار مقاومت اند، ولی مرد اند؛ هوادار وحدت اند، ولی با حزب کمونیست به مبارزه برمی خیزند از یک طرف و بورژوازی ملی، مالکان ارضی متوسط و کوچک و متنفذین روشن بین را که دو گانگی شان کمتر است، از طرف دیگر از هم تمیز داد. سیاست ما بر روی این تفاوت ها ساخته می شود. سیاست متنوع ما که اینک تشریح شد، از آن تفاوت هائی سرچشمه می گیرد که در مناسبات طبقاتی وجود دارد.

۱۰- سیاست ما نسبت به امپریالیست ها نیز بدین منوال است. اگر چه حزب کمونیست با همه امپریالیست ها مبارزه می کند، معذک باید بین امپریالیست های ژاپن که به تهاجم به چین دست زده اند و سائر امپریالیست ها که فعلاً به تهاجم بر کشور ما دست نزده اند، فرق گذاشت؛ به علاوه باید بین امپریالیست های آلمان و ایتالیا که متحد شده و « منچور گوه » را به رسمیت شناخته اند و امپریالیست های انگلستان و آمریکا که به مخالفت با ژاپن برخاسته اند فرق گذاشت؛ همچنین باید بین انگلستان و آمریکا در دوره ای که سیاست مونیخ خاور دور را عملی می ساختند و به امر مقاومت ما بر ضد ژاپن صدمه می زدند و انگلستان و آمریکای امروز که از سیاست مذکور روی گردانده و به مقاومت ما بر ضد ژاپن روی خوش نشان می دهند، فرق گذاشت. اصول تاکتیکی ما همچنان عبارتند از بهره برداری از تضاد ها، جلب اکثریت، مبارزه با اقلیت، درهم شکستن یکایک دشمنان. سیاست خارجی ما با سیاست خارجی گومیندان فرق دارد. گومیندان می گوید: "یک دشمن در مقابل ماست و سائرین دوستان ما هستند؛" ظاهراً گومیندان همه کشور ها غیر از ژاپن را در یک عرض قرار می دهد، ولی در واقع هوادار انگلستان و آمریکا است. اما ما باید تفاوت هائی قائل شویم: اولاً بین اتحاد شوروی و کشور های سرمایه داری؛ ثانیاً بین انگلستان و آمریکا از یک سو و آلمان و ایتالیا از سوی دیگر؛ ثالثاً بین خلق های انگلستان و آمریکا از یک سو و دول امپریالیستی این دو کشور از سوی دیگر؛ رابعاً بین سیاست انگلستان و آمریکا در دوره مونیخ خاور دور و سیاست کنونی آن ها. سیاست ما بر روی این تفاوت ها ساخته می شود. رهنمود اساسی ما بر خلاف گومیندان عبارت از آنست که جنگ را مستقلانه به پیش ببریم و به نیروی خود اتکاء کنیم و تحت این اصل از کمک خارجی تا حدی که میسر است، استفاده کنیم نه این که مانند گومیندان از این اصل روی برتابیم و به کمک خارجی تکیه کنیم و یا به سایه فلان گروه بندی امپریالیستی پناه ببریم.

برای آن که نظریات یک جانبه بسیاری از کادر های حزب در موضوع تاکتیک اصلاح گردد و از کجروی به چپ یا به راست که نتیجه نظریات یک جانبه است، احتراز شود، باید تغییرات و تکامل سیاست حزب را در گذشته و حال در کلیه جوانب و در مجموع خود به آن ها فهماند. در حال حاضر گرایش عمده خطرناک در حزب ما همچنان نظریات چپ روانه افراطی است که فتنه به پا می کند. در مناطق تحت سلطه گومیندان، بسیاری از کادر ها سیاست مبنی بر مخفی کاری و فشرده گی، کار طولانی در حالت مخفی، جمع آوری نیرو و انتظار فرصت مناسب را چنانکه باید اجراء نمی کنند، زیرا آن ها سیاست ضد کمونیستی گومیندان را به اندازه کافی جدی نمی گیرند؛ از طرف دیگر عده کثیری از کادر ها سیاست گسترش جبهه متحد را عملی نمی سازند زیرا که آن ها به سادگی گومیندان را سر تا پا سیاه تصور می کنند و به این طریق عاطل و باطل مانده اند. نظیر همین پدیده ها در نواحی تحت اشغال ژاپن نیز دیده می شود.

در مناطق تحت سلطه گومیندان و در پایگاه های ضد ژاپنی، نظرات راست سابقاً به طور جدی موجود بود و هم اکنون به طور عمده از بین رفته است؛ کسانی که دارای چنین نظریاتی بودند، فقط در پی وحدت بودند و مبارزه را از یاد می بردند و تمایلات گومیندان را به مقاومت ضد ژاپنی بیش از اندازه ارزیابی می کردند و به این طریق فرق اصولی میان گومیندان و حزب کمونیست را می زدودند؛ آن ها به جای این که نیرو های انقلابی ضد ژاپنی را جسورانه گسترش دهند و با سیاست گومیندان در مبارزه با حزب کمونیست و تحدید حزب کمونیست به مبارزه قاطع برخیزند، از سیاست مستقل و عدم وابسته در جبهه متحد دست می کشیدند، نسبت به مالکان ارضی بزرگ، بورژوازی بزرگ و گومیندان روش مماشات در پیش می گرفتند و دست و پای خود را به این طریق می بستند. ولی از زمستان ۱۹۳۹ در اثر « اصطکاکات » ضد کمونیستی که به وسیله گومیندان برانگیخته شد و در اثر مبارزل دفاع از خود که از طرف ما صورت گرفت، در همه جا یک گرایش « چپ » به ظهور رسید. اگر چه این گرایش تا حدی اصلاح شده ولی کاملاً از بین نرفته است و در سیاست های مشخص متعددی در بسیاری از جا ها به چشم می خورد. از این جهت اینک کاملاً لازم است که سیاست های مشخص را بررسی و تعیین کنیم.

از آن جا که قبلاً کمیته مرکزی در باره سیاست های مشخص متوالیاً رهنمود های متعددی داده است، ما آن ها را فقط در چند نکته خلاصه می کنیم.

در باره ترکیب ارگان های قدرت. باید سیستم «سه ثلث» را قطعاً عملی ساخت، به موجب این سیستم کمونیست ها فقط یک ثلث از ترکیب ارگان های قدرت را اشغال خواهند کرد و عده کثیری از غیر کمونیست ها به شرکت در آن ها جلب خواهند شد. در "جیان سوی" شمالی و در نقاط دیگری که ما تازه به استقرار قدرت دموکراتیک ضد ژاپنی دست زده ایم، نسبت کمونیست ها حتی ممکن است از یک ثلث هم کمتر باشد. خواه در ارگان های دولتی و خواه در ارگان های نمایندگی خلق، باید نمایندگان خرده بورژوازی، بورژوازی ملی و متنفذین روشن بین را که ضد

کمونیست فعال نیستند وارد کرد؛ اعضای گومیندان را هم که علیه حزب کمونیست قد علم نمی کنند، باید در این ارگان ها پذیرفت. عدهٔ قلیلی از عناصر راست را هم می توان در ارگان های نمایندگی خلق وارد کرد. در هیچ حالی حزب ما نباید همه چیز را در انحصار خود گیرد. اگر ما دیکتاتوری بورژوازی بزرگ کمپرادور و طبقهٔ مالکان ارضی بزرگ را سرنگون می سازیم، برای آن نیست که دیکتاتوری حزب واحد - حزب کمونیست را به جای آن بنشانیم.

در بارهٔ سیاست کار. فقط با بهبود شرایط زندگی کارگران می توان شور و شوق آن ها را در مقاومت ضد ژاپنی بالا برد. معذک باید از افراط های چپ روانه احتراز جست و افزایش دستمزد و کاهش روزکار نباید از حد بگذرد. امروزه در چین هنوز مشکل است که بتوان در همه جا روز هشت ساعتهٔ کار را برقرار ساخت و در برخی از رشته های تولید باید باز هم روز ده ساعته کار را مجاز شمرد. در سائر رشته های تولید باید مدت روز کار را بر حسب شرایط معین کرد. وقتی که بین کار و سرمایه قراردادی منعقد می شود، کارگران باید انضباط کار را مراعات کنند و به سرمایه داران امکان داده شود تا حدی سود به دست آورند. در غیر این صورت کارخانه ها بسته خواهند شد و این امر به مقاومت ضد ژاپنی و به خود کارگران صدمه خواهد رساند. به ویژه در روستا نباید سطح زندگی و دستمزد کارگران را زیاده از اندازه بالا برد، چنین اقداماتی ممکن است اعتراضاتی را از جانب دهقانان برانگیزد، در بین کارگران موجب پیدایش بیکاری شود و از تولید بکاهد.

درباره سیاست ارضی. باید به اعضای حزب و به دهقانان توضیح داد که موقع انقلاب ارضی ریشه ای فرانسیده و اقداماتی که سابقاً در دورهٔ انقلاب ارضی به عمل می آمد، امروز دیگر به عمل آمدنی نیستند. از یک طرف سیاست کنونی ما باید مقرر دارد که مالکان ارضی بهرهٔ مالکانه و نرخ سود را تقلیل خواهند داد. فقط در این صورت می توان شور و شوق توده های اصلی دهقانان را در مقاومت ضد ژاپنی برانگیخت، ولی تقلیل مذکور نباید بیش از اندازه باشد. به طور کلی بهرهٔ مالکانه باید ۲۵ درصد تقلیل یابد و در آن جا که توده ها خواستار تقلیل بیشتری باشندف دهقان می تواند ۶۰ الی ۷۰ درصد محصول را برای خود نگه دارد، نه بیشتر. نرخ ربح نباید بیش از حدی که مناسبات اعتباراتی اقتصاد جامعه اجازه می دهدف تنزل یابد. از طرف دیگر سیاست ما باید مقرر دارد که دهقانان بهرهٔ مالکانه و ربح قرضه را بپردازند و مالکان ارضی بر روی زمین و اموال خویش حق مالکیت را حفظ کنند. نرخ ربح نباید چندان تنزل کند که دهقانان از امکان وام گرفتن محروم شوند و تصفیه حساب های سابق نباید طوری باشد که دهقانان زمین هائی را که نزد مالکان ارضی گرو گذاشته اند، بدون پرداخت بازستانند.

در بارهٔ سیاست مالیاتی. مبلغ مالیات باید بر حسب درآمد معین شود. به استثنای تهیدست ترین مردم که باید آن ها را از مالیات معاف داشت، کلیه کسانی که درآمدی دارند، یعنی بیش از ۸۰ درصد اهالی و از آن جمله کارگران و دهقانان، باید مالیات به دولت بدهند، بار مالیاتی نباید فقط بر دوش مالکان ارضی و سرمایه داران باشد. این شیوه که اشخاص را بازداشت کنند و از آن ها برای مخارج ارتش جریمه بگیرند باید قدغن شود. برای وصول مالیات، تا

وقتی که ما هنوز سیستم جدیدی که مناسب تر باشدف وضع نکرده ایم، می توان به اجرای سیستم گومیندان ادامه داد و آن را بر حسب لزوم بهبود بخشید.

در باره سیاست امحاء عمال دشمن. باید خائنان به ملت و عناصر ضد کمونیست سرسخت را مصممانه سرکوب کرد، در غیر این صورت نمی توان از نیرو های انقلابی ضد ژاپنی دفاع کرد. معذک نباید زیاد اعدام نمود و در هیچ حالتی نباید بی گناهان را شریک جرم دانست. در مورد مرتجعان باید نسبت به عناصر متزلزل و شرکای اجباری، روش جوانمردانه ای در پیش گرفت. اعمال شکنجه نسبت به مجرمان، هر کس که باشد، باید اکیداً ممنوع گردد، باید تکیه را روی مدارک و شواهد گذاشت و زیاد به اظهارات شفاهی اطمینان نکرد. سیاست ما نسبت به اسیران، خواه از ارتش ژاپن باشند، خواه از سپاهیان پوشالی و یا ضد کمونیست، عبارت است از رها کردن آنان، مگر آن هائی که مورد کینه سخت خلق اند و پس از تأیید حکم از طرف مقامات بالا مسلماً باید اعدام شوند. ما باید اسیرانی را که به زور به سربازی برده شده اند و روحیه کم و بیش انقلابی دارند، به تعداد زیادی برای خدمت به ارتش ما جلب کنیم و سائرین را باید آزاد ساخت؛ و اگر با ما جنگیدند و دو باره اسیر شدند، باید دو باره آزاد ساخت؛ نباید با آن ها بد رفتاری کرد، نباید پول و اشیاء خصوصی آن ها را مصادره نمود، نباید آن ها را وادار به اعتراف کرد، بلکه باید در همه حال با آن ها رفتاری صدیقانه و مهربانانه داشت. این سیاست باید در مورد کلیه اسیران، هر قدر هم که مرتجع باشند، به کار برده شود. این سیاست در منفرد ساختن اردوی ارتجاع بسیار مؤثر است. به خائنان، مشروط بر این که از فعالیت ضد کمونیستی دست برداشته باشند، باید امکان داد که خود را اصلاح کنند، به استثنای آن هائی که مرتکب جنایات فاحشی شده اند؛ اگر خائنین بخواهند به راه انقلاب بازگردند می توان آن ها را پذیرفت، ولی نباید اجازه داد که دو باره به حزب بپیوندند (تأکید از ویراستار است). مأموران عادی دوائر اطلاعات گومیندان را نباید با جاسوسان ژاپنی و خائنان به ملت در یک عرض قرار داد، باید بین آن ها فرق گذاشت و با آن ها رفتاری متفاوت داشت. باید به این وضع مغشوش که هر اداره ای و هر سازمانی می تواند اشخاص را بازداشت کند خاتمه داد؛ باید به منظور استقرار نظم انقلابی به سود مقاومت ضد ژاپنی مقرر داشت که به استثنای واحد های ارتش که در جریان عملیات اند، فقط مقامات قضائی و مقامات امنیت عمومی دولت حق بازداشت دارند.

در باره حقوق خلق. باید مقرر کرد که همه مالکان ارضی و همه سرمایه دارانی که با جنگ مقاومت ضد ژاپنی به مخالفت بر نمی خیزند، مانند کارگران و دهقانان از حقوق شخصی، از حق مالکیت، از حق رأی، از آزادی کلام، آزادی اجتماعات، آزادی اتحادیه ها، آزادی عقیده و ایمان برخوردارند. ارگان های دولتی فقط بر ضد کسانی به اتخاذ تصمیم دست می زنند که در پایگاه های ما به خرابکاری و یا شورش انگیزی بپردازند، سائرین تحت حمایت ارگان های دولتی خواهند بود و مداخله در کار آن ها روا نیست.

در باره سیاست اقتصادی. ما باید صنعت، کشاورزی و گردش کالاها را فعالانه گسترش دهیم. باید سرمایه داران را تشویق کنیم که در صورت تمایل به مناطق پایگاهی ضد ژاپنی بیایند و در آنجا مؤسساتی دایر کنند. باید بنگاه های خصوصی را تشویق کنیم و بنگاه های دولتی را فقط بخشی از مجموع مؤسسات بدانیم. منظور از این اقدامات تأمین نیازمندی های ما با منابع خود مان است. باید از وارد آوردن لطمه بر هر بنگاه مفیدی اجتناب ورزید. سیاست گمرکی و سیاست پولی باید با سیاست اساسی ما که گسترش کشاورزی، صنعت و تجارت است، بخواند و با آن برخورد نکند. اقتصاد را در سرزمین پایگاه ها جداً و دقیقاً و با احتراز از هر گونه بی مبالاتی سازمان داد تا نیازمندی های ما با منابع خود مان تأمین شود - این است شرط اساسی بقای طولانی پایگاه ها.

در باره سیاست فرهنگ و آموزش. باید توجه خود را بر روی ارتقای سطح معلومات و فن که برای مقاومت ضد ژاپنی ضروری است و بر روی ترویج آن ها و همچنین بر روی پرورش غرور ملی در میان توده های خلق متمرکز ساخت. باید به عناصر بورژوازی لیبرال از بین معلمان، فرهنگیان، روزنامه نگاران، دانشمندان، مهندسان و تکنسین ها اجازه دهیم که به پایگاه های ما بیایند و با ما در اداره مدارس، انتشار روزنامه ها و سایر امور همکاری کنند. باید روشنفکرانی را که در کار مقاومت ضد ژاپنی نسبتاً فعال اند، به بنگاه های آموزشی خود مان جلب کنیم، دوره کوتاهی برای پرورش آن ها بگذاریم و سپس آن ها را برای کار در ارتش، در ارگان های دولتی و کار اجتماعی بفرستیم؛ باید آن ها را بی باکانه به صفوف خود جلب کنیم، مورد استفاده قرار دهیم و بالا بکشیم. نباید از بیم رخنه عناصر مرتجع به دور خود تار بتنییم. ناگزیر عده ای از این عناصر به صفوف ما رخنه خواهند کرد، ولی ما پیوسته فرصت خواهیم داشت که آن ها را در جریان آموزش و کار کنار بگذاریم. باید در هر پایگاهی به ایجاد چاپخانه، به نشر کتب و روزنامه ها بپردازیم، دوائر توزیع و تحویل مطبوعات را سازمان دهیم. باید از تمام امکانات استفاده کنیم تا در کلیه پایگاه ها مدارس بزرگ کار دائر شود، هر چه این مدارس بزرگ تر و متعدد تر باشد، بهتر است.

در باره سیاست نظامی. باید ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید را به حداکثر توسعه داد، زیرا که این ارتش ها مطمئن ترین نیرو های مسلحی هستند که خلق چین برای ادامه جنگ مقاومت ملی در اختیار دارد. سیاست ما نسبت به ارتش های گومیندان مانند سابق عبارت از این است که تا زمانی که دیگران به ما حمله نکنند، ما به دیگران حمله نمی کنیم. باید بکوشیم که با آن ها مناسبات دوستانه برقرار کنیم. به منظور تقویت سازمان ارتش ما از لحاظ نظامی، باید تا هر اندازه که ممکن است، افسران هوادار خود را، خواه عضو گومیندان و خواه بی حزب باشند، به ارتش هشتم و چهارم جدید وارد کنیم. این وضع که کمونیست ها همه جا در ارتش ما از حیث تعداد غلبه دارند، نیز باید عوض شود. البته سخن بر سر آن نیست که سیستم «سه ثلث» را در واحد های عمده ارتش خودمان برقرار کنیم، اما تا وقتی که حزب ما رهبری ارتش را در دست دارد (و این شرط ضروری و نقض ناپذیر است)، نباید از جلب تعداد کثیری از هواداران به شرکت در ساختمان ارتش در زمینه های فنی و نظامی بهراسیم. در وضع

کنونی که حزب ما و ارتش ما توانسته اند بنیاد ایدئولوژیک و سازمانی استواری داشته باشند، جلب تعداد کثیری از هواداران (و البته به هیچ وجه نه خرابکاران) متضمن خطری نیست و حتی سیاستی لازم است که بدون آن نمی توان علاقه قاطبه ملت را جلب کرد و نیرو های انقلابی را گسترش داد.

سراسر حزب باید این اصول تاکتیک ما در جبهه متحد و همچنین سیاست های مشخص ناشی از آن ها را مصممانه به موقع اجراء بگذارد. در این هنگام که تجاوزکاران ژاپنی تجاوز خود را علیه چین شدت می دهند و مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ در داخل کشور به اجرای سیاست سرکوبی و حملات نظامی بر حزب کمونیست و بر خلق مشغول اند، فقط به کار بردن اصول تاکتیک و سیاست های مشخص که در بالا تشریح شد، ما را به پایداری در جنگ مقاومت ضد ژاپنی، به گسترش جبهه متحد، به جلب علاقه قاطبه خلق و به ایجاد تحول مساعدی در اوضاع فعلی قادر می گرداند. معذک در عین حال که به رفع اشتباهات می پردازیم، باید قدم به قدم عمل کنیم، از شتابزدگی که ممکن است موجب برانگیختن ناخشنودی در بین کادر ها، پیدایش بدگمانی در توده ها و باعث تعرض متقابل مالکان ارضی و یا واکنش های منفی دیگر گردد، بپرهیزیم.

یادداشت ها:

۱- وان ای تان بوروکرات عالی رتبه روزگار دیکتاتور های نظامی شمال و از خائنان هوادار ژاپن بود. پس از حوادث ۱۹۳۵ در چین شمالی چانکایشک او را به خدمت خود گرفت. وان ای تان که دست آموز تجاوزکاران ژاپنی بود، در ۱۹۳۸ به ریاست « شورای سیاسی چین شمالی » که ارگانی پوشالی به شمار می رفت، منصوب شد.

۲- شی یو سان یکی از خیانت کار ترین دیکتاتور های نظامی گومیندان بود. پس از آغاز جنگ مقاومت ضد ژاپنی، آنگاه که وی فرمانده کل دهمین گروه ارتش های گومیندان بود، با سپاهیان ژاپن در جنوب "حه به" تباری کرده و همواره به حمله بر ارتش هشتم ، به برهم زدن ارگان های قدرت دموکراتیک ضد ژاپنی و به قتل عام کمونیست ها و افراد مترقی می پرداخت.